



# بزرگ‌ترین ناگفته‌های شگفت‌انگیز علمی

صد داستان خواندنی در باره اختراعات و اکتشافات

ریکاردو بیر

ترجمه مینا علاء





mikhanam.com

Beyer, Rick

سرفیسانه بیرد ریک، ۱۹۶۶ - نو

عنوان و نام پدیدآور: بزرگترین دانشنامه جهانگردی (عمومی) ضد مسائل خودمان در باره

بسترزمان و اشتقاق: ریک بیرد - جلد ۱ - جلد ۱ - جلد ۱

مشخصات نشر: تهران، لغوی، ۱۹۶۶

مشخصات فهرستی: ۶۱۵ صفحه فهرست

فروست: علم و ماسه، ۱۹۶۶ - ۱۹۶۶

شابک: ۹۶۴-۹۶۴-۹۶۴-۹۶۴

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی

پادداشت: رانده

عنوان دیگر: جهانگردان، سوگند در باره اعتماد و کیفیت

موضوع: جهانگردان - سوگند

موضوع: مسائل سفر

شماره افزودن: ۱۳۵۰ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۰

رده بندی کنگره: ۱۳۵۰ - ۱۳۵۰ - ۱۳۵۰

رده بندی دیویی: ۲۰۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۷۸۹۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

*The Greatest Science Stories Never Told*

Rick Beyer

Harper collins Publishers, 2009



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهیدی، پلاک ۱۰۱

شماره ۱۱۱، تلفن ۶۶۰۰۸۶۰



ریک بایر

بزرگ‌ترین ناکامی‌های سگفت‌ازگیز علمی

ترجمه مسعود علاء

چاپ دوم

تابش ۱۳۹۳

۱۵۰۰ نسخه

چاپ شمشاد

حقوق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۱-۹۲۰-۱

ISBN: 978-964-311-920-1

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

Printed in Iran

۱۴۰۰۰ تومان

توماس ادیسون برق را اختراع نکرد. الکساندر گراهام بل تلفن را اختراع نکرد. اولین خودرو، پیش از آنکه جرج واشنگتن رئیس‌جمهور آمریکا شود، در خیابان‌های پاریس وژگون شد. دستگاه فروش خودکار نوشیدنی و نقلات در حدود دوهزار سال قدمت دارد. دستگاه نصاب را در طول جنگ‌های داخلی آمریکا کشیشی ایتالیایی اختراع کرد. جستجو برای یافتن شمع موزک به اختراع رادار منجر شد که آبنبات مخترع دیگری را ذوب کرد و الهام‌بخش اختراع دستگاه ماکروویو شد. پست الکترونیکی را در اصل کسی به وجود آورد که می‌خواست از زیر بار «کار واقعی» شانه خالی کند. فکر ساختن تلویزیون امروزی هنگام کار و شخم‌زنی مزرعه سیب‌زمینی به ذهن پستریک نوجوانی رسید.

آیا می‌خواهید پیش‌تر بدانید؟ حباب کتابی انتخاب کرده‌اید!

این کتاب چهارمین اثر از مجموعه کتاب‌های بزرگ‌ترین ناگفته‌هاست که با همکاری شبکه تلویزیونی تاریخ چاپ شده است. مجموعه‌ای که پر از داستان‌های ماجراجویانه، اتفاقات مسرت‌بخش، دغدغه‌های مادام‌العمر و جرقه‌های خردکننده نوب است. داستان‌های واقعی که اختراعات و اکتشافاتی را تصویر می‌کند که از دوهزار سال پیش به این سو انجام شده است و پر است از شخصیت‌های مشهور، مانند اسحاق نیوتن (کیمیاگری در سلفا و مبارزی نترس در برابر جاعلان و شیادان) و شخصیت‌های گمنام‌تر مانند آلبرت پارکهاوس (مخترع رخت‌آویز فلزی).

ظهور ناگهانی منطقه «هافتم» می‌تواند در هر زمان و مکانی باشد. چنان‌که در اولین داستان این کتاب می‌خوانید، برای ارشدینس در وان حمام اتفاق افتاد. الهام در خواب به سراغ دانشمندی آمد و هنگام

استراحت در نیمه‌شب روی نیمکت پارک به سراغ دانشمندی دیگر و برای دانشمند سوم، هنگام سوار بودن در واگن برقی. در هر یک از این موارد الهام باعث شد، دانشمندان جایزه نوبل دریافت کنند. اتفاقات غیرمنتظره در این میان، اغلب نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. تفنون، اشعه ایکس، شیشه شیشه‌ای کلوئه و ایمنی ماشین و ساختارین برخی از مواردی هستند که در پیدایش آن‌ها اتفاق نقش بسزایی داشته است. پیاده‌روی و گردش در جنگل در سال ۱۷۱۹ پیدایش کاغذ امروزی را در پی داشت؛ در حالی که کشت و گذار دیگری در طبیعت چند قرن بعد، الهام‌بخش اختراع ولکرو<sup>۱</sup> شد. ستاره‌شناسی کاسیمی دانشمند صدای خش تلسکوپ راداریویشان را از زمین بیرون، تصادفی نظریه انفجار بزرگ را ثابت کردند.

بخش مهمی از دانش این است که با توسعه تکنولوژی‌ها و تولیدات جدید، جنبه نظری آن را کاربردی کنیم و در جهان واقعی از آن استفاده کنیم. من به خودم آزادی عمل دادم تا در صفحات پیش رو، داستان‌هایی را نقل کنم که طیف وسیعی از چنین تلاش‌هایی را در بر می‌گیرد. نتیجه، دامنه وسیعی از ارزشمندی‌ها تا زمانی که آن‌ها را در بر می‌گیرد.

فیزیکدان برجسته‌ای یک بار به‌شوخی گفت: «هیچ چیز برای اولین بار اختراع نشده است.» در این کتاب داستان‌های بسیاری در باره مخترعان گمنام و فراموش شده آمده است که وسایلی، مانند رادیو، دوربین فیلمبرداری، و رایانه را مدت‌ها پیش از آن‌که مخترعان مشهوری آن‌ها را به نام خود به ثبت برسانند و امتیاز اختراعشان را بگیرند، کشف کرده بودند. فراموش نکنید اولین ستاره سینما چراغ راهنما را اختراع کرد.

1. Velcro  
2. Zamboni

مبادا تصور کنید که مطالعه تاریخچه علوم، بحث خشک و کسل کننده‌ای است، به شما اطمینان می‌دهم که عکس این مسئله درست است. در پس این داستان خود کشتی، ناپدید شدن اسرارآمیز، جدالی مرگبار، زلزله و حتی بازی گلف وجود دارد! بعضی صحنه‌ها چنان تکان دهنده‌اند که گویی از فیلم سینمایی برگرفته شده‌اند، مانند دو بیست راهی که با گرفتن دست‌های یکدیگر، دایره بزرگی تشکیل دادند و همزمان به آن‌ها شوک الکتریکی وارد شد یا واگن راه‌آهنی که مملو از نوازندگان شیپور بود و همزمان با حرکت قطار به سمت ایستگاه، همه نت واحدی را نواختند. چه کسی می‌دانست جستجو برای یافتن پاسخ‌های علمی و تاریخچه آن، ممکن است این قدر جذاب توجه و سرگرم کننده باشد؟

برخی از داستان‌های نقل شده در این کتاب را از پدرم، رابرت تی. بیر یاد گرفتم؛ دانشمند و نویسنده‌ای که در تمام عمرش به دانش بسیار علاقه داشت. به بقیه داستان‌ها هم با مکاشفه و ساعت‌های متمادی مطالعه و تحقیق دست یافتیم. می‌شد گفت، هر بار که به موضوع قابل توجهی بر می‌خوردم که قبلاً نمی‌دانستم، لحظه متحیرانه‌ام «ایانتم!» بود.

هفتم از نوشتن چنین موضوعی این است که خوانندگان به اندازه من از مطالعه و کشف این نکات بی‌بديل لذت ببرند. فقط یادتان باشد، بعد از خواندن هر داستان از وان حمام تخت بیرون ندوید تا مشاهداتتان را با مردم دگر میان بگذارید! این کار نیز قبلاً انجام شده است!